

قاین

مسجد جامع شهر قاین

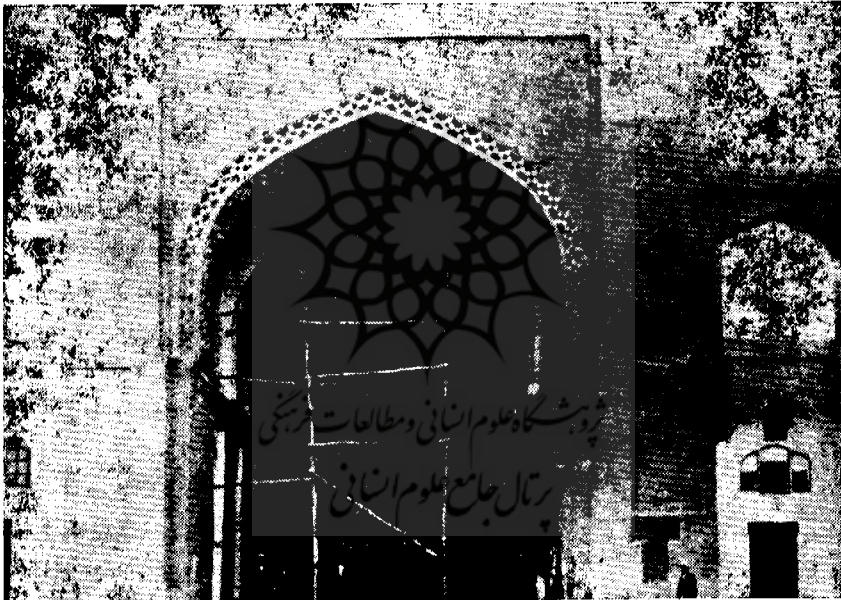
روزی در اثنا مطالعه کتاب گرانهای «سفرنامه ناصر خسرو» حکیم و شاعر نامور ایرانی که بین سالهای ۳۹۴ و ۴۸۱ هجری میزیسته مطلبی در خصوص قاین و جامع آن نظر ملاحظه کرد. ناصر خسرو در ضمن مسافرت‌هایی که باقی نقاط حجاز و مصر را آسیای صغیر و بالاخره خراسان میکند و با علماء و فقهاء هر شهر و دیدار ملاقات مینماید و ذخائری معنوی و گرانمایه می‌اندوزد؛ تفصیل ملاقاتها و تشریح اوضاع عمومی شهرها و بلاد آنروز کشور راجسته جسته نقل میکند که مایه عبرت و پند و موجب حیرت و تحسین است. من جمله در صحیفه ۱۴۱ سفرنامه چنین مینویسد: «... و بیست و سیوم شهر ربیع الآخر بشهر قاین رسیدیم و از تون تا آنجا هجده فرسنگ میدارند. اما کاروان به چهار روز تواند شدن که فرسنگهای گرانست. قاین شهری بزرگ و حصین است و گرد شهرستان خندقی دارد و مسجد آدینه بشهرستان اندراست و آنجا که مقصوره است طاقی عظیم بزرگ است چنانکه در خراسان از آن بزرگتر ندیدم و آن طاق نه درخور آن مسجد است و عمارت همه شهر بگنبد است و از قاین چون بجانب مشرق شمال روند به هجده فرسنگی زوزنست و جنوبی تا هرات سی فرسنگ. بقاین مردی دیدم که او را ابو منصور محمد بن دوست میگفتند. از هر علمی باخبر بود. از طب و نجوم و منطق چیزی از من پرسید که چه گوئی بیرون این افلاک و انجم چیست. گفتم نام چیزی بر آن افتد که داخل این افلاک و بر دیگرند. گفت چه گوئی بیرون از این گنبدها معنی است یا نه. گفتم چاره نیست که عالم محدود است و حد او فلک الافلاک و حد آنرا گویند که از جز او جدا باشد و چون این حال دانسته شد واجب کند که بیرون افلاک نه چون اندرون باشد. گفت پس آن معنی را که عقل اثبات میکند نهایت هست از آن جانب اگر نهایتش هست تا کجاست اگر نهایتش نیست نامتناهی چگونه فناپذیرد؛ و از این شیوه سخنی چند میرفت و گفت که بسیار تعجیر در این خورده‌ام. گفتم که نه خورده است (؟). فی الجمله بسبب تشویشی که در زوزن بود از جهت عبیدنیشابوری و تمرد رئیس زوزن یکماه بقاین بماندم و رکابدار امیر گیلکی را از آنجا بازگردانیدم (۱). این اشارت حکیم درسفر نامه از دیرباز مراب آن می‌داشت که در خصوص شهر قاین و جامع آدینه آن تحقیق بیشتری کنم گرچه این امر بعلت نبودن وسائل نمیتوانست صورت کمال گیرد. اینک شمه‌ای از اوضاع عمومی قاین؛

قاین شهریست بسیار کهن که در جنوب ایالت خراسان بر سر راه مشهد به بیرجند قرار گرفته است و تا بیرجند قریب ۶۰ کیلومتر فاصله دارد. جمعیت قاین اکنون بالغ بر هفت تا هشت هزار میشود هوای قاین معتدل و مایل بسردی است و گاه برودت ناگهانی هوایمیه و محصول را نابود میکند. معرّ معیشت اهالی کشاورزی و دامپروری است و چون اهالی آب‌نی برای زراعت ندارند ناچار بیشتر زراعتشان در بیابانها و زمینهای مساعد بصورت دیم (یادیه) انجام میشود. بطور کلی قاین شهریست فلاحتی و صنعت قابل ذکری ندارد. محصول مهم صادراتی قاین زعفرانست که باقی نقاط

ایران و حتی کشورهای خارجه برده میشود و شهرت زیادی کسب کرده است . گویا شهر قاین از قرن چهارم هجری تا اوایل قرن دوازدهم مرکز شهرستان و دارای اهمیت و مرکزیت خاصی بوده و متأسفانه اکنون اهمیت سابق خود را از دست داده است . از قرن دوازدهم میلادی مرکز قانیات بیرجند شده و اهمیت تجاری و فرهنگی و سیاسی داشته است . گرچه بیرجند نیز موقعیت تجاری خود را از دست داده اما جهات سیاسی و فرهنگی آن بر قاین رجحان دارد .

در باره قدمت شهر قاین علاوه بر سفرنامه خسرو هم اکنون آثار و علائم زیادی در اطراف شهر قاین (بصورت بناهای محروبه) یافت میشود که بر آبادی و عظمت و قدمت آن دلایلی قاطعند . امامزین خصوص تا اکنون حفاری و کنجکاوای زیادی نشده است .

اهالی قاین دارای آداب و رسوم خاص میباشد و لهجه محلی آنها نیز بسیار جالبست . (وما یبیری خدا در شماره های آینده بنمادین خصوص مفصل بحث خواهیم کرد)



مسجد جامع قاین

مسجد جامع قاین - یکی از آثار بسیار قدیم و با عظمت باستانی است و این نکته مسلم است که در تمام خطه خراسان مسجد جامعی باین عظمت و شکوه و قدمت وجود نداشته است . بیشتر اهمیت مسجد بسبب ایوان زیبا و باشکوه آنست که ناصر خسرو بدان اشارت فرموده است . مسجد جامع قاین بنائی است بمساحت تقریباً ۲۴۸۰ متر مربع باضلاع (۶۵×۳۷ متر) که ۱۰۰۰ متر مربع در جهت ایوان زیر بناست و در حدود ۱۲۰۰ متر عرصه داخلی مسجد و بقیه بناهای اطراف آن از قبیل انبار و راهرو و غیره میباشد . مسجد جامع اکنون در قسمت جنوب شرقی شهر واقع است و گویا در زمانهای بس قدیم در وسط شهر قرار داشته است . مسجد قاین بعلت بنای مرتفع و نزدیک بکشتمان (کشتزار) شهر ، دارای صفا و روح خاصی است . در ایوان که سمت جنوبی قرار

گرفته و بنای باشکوهی است رموز صنعت و هنر معماری بدان حد بکار رفته که بیننده را خیره میسازد و اگر از حیث طول و عرض و ارتفاع از مقصوده مسجد جامع گوهرشاد کوچکتر باشد از حیث ظرافت و زیبایی از آن ساختمان عظیم کم نخواهد بود. ایوان مزبور ۱۸ متر ارتفاع و ۱۰ متر عرض ۲۳ متر طول دارد و سقف آن مرکب از چهارطاق و سه گنبد است و گنبد وسطی مقرنس کاری بسیار زیبایی دارد که بالوان مختلفه رنگ آمیزی و تزیین شده است. بنای مزبور از طرف داخل در ارتفاع ۱۴/۵ متر دارای صفهائی ظریف و زیباست. محاذی هر ایوانچه از داخل ایوان در بندی بخارج باز است که بین اهالی بنام «رواق» خوانده می شود. وجود این صفهها علاوه بر زیبایی در فصل تابستان باعث جریان هوا و دلگشائی خاصی است. ایوان جامع قاین تا ارتفاع شش متر از سطح زمین ساده کاری است و از آنجا پس از يك كتیبه که دور بدور ایوان کشیده شده. و بنام «اسلومی» معروف است بیلا منقش بنقوش مختلفه میباشد. دو طرف ایوان بمحاذات طول دوشیستان قرار گرفته که هر کدام پایه در بند بشکل ایوانچه بداخل ایوان راه داد و در حال حاضر در بندهای یکی از دوشیستان که مشهور بشیستان زمستانی میباشد بسته شده و دودیگر با کعبه اهالی درهای چوبی زیبایی برای آنها تهیه شده است. بطوریکه از قرین مشهود است این دوشیستان بادبواز و ایوانچه بعد از بنای ایوان ساخته شده و شیستان شرقی ایوان در سال ۱۳۳۰ با کعبه نیکوکاران قاین و مساعی آقای حاج سید مصوم قهستانی امام جماعت با وضع زیندهای تعمیر گردیده. کتیبه های مسجد که هم اکنون گویای قدمت مسجد و مقصوره اند بشرحی است که از لحاظ خوانندگان عزیز میگردد :

۱ - در رأس طاق آخر ایوان (طاق چهارم) در شکل مربع مستطیلی تقریباً بابعاد ۵/۰ متر × ۲۰/۲ متر. این عبارت بخط سبزیبائی نوشته شده است [یار فیه الدرجات]. اما تاریخ ندارد.

۲ - در پیشانی طاق دوم که مواجه بادر ایوان است داخل يك مسدس این ابیات نوشته شده :

غرض نقشی است کز ما بلا زماند
که هستی را نسیمی بینم بقائی
زیر این بیت نوشته شده (عمل استاد قلندر) و سپس این بیت :

مگر صاحب دلی روزی بر حمت
کند در حق درویشان دعائی

تاریخ زیر بیت مذکور مرقوم بوده اما بر اثر گذشت زمان محو شده است.

طرف دیگر که مواجه با این نوشته میباشد بخط نستعلیق بسیار خوش نوشته شده است :

روز محشر که جانگدار بود
اولین پرشش از نماز بود

ذره بیمقدار : یوسف بن دولت یار (مع التأسف تاریخ تحریر این کتیبه نیز محو شده است).

۳ - در پیشانی طاق دوم که مواجه بادرایوان است در داخل يك شکل هندسی نوشته شده است :

کاتب غلامرضای ذاکر

نظر نمای بتعمیر طاق مسجد قاین
که سر کشیده بر افلاک و رفته تا بشریا

ندیده دیده انجم بحسن و روح و صفایش
برای عالم امکان بغیر مسجد اقصی

عمل کربلائی اسحق قاینی سنه ۱۲۶۲

در این شکل هندسی دو مربع مستطیل ترسیم شده که در داخل یکی طرف راست این عبارت

مرقوم است (ذره بیمقدار محمد حسین ذاکر) و در داخل دیگری طرف چپ مصرع آخر اشعار فوق

نوشته شده است : و این تاریخ یعنی (۱۲۶۲ هجری) مخصوص است به همان طاق ، زیرا بطوریکه خلفاً

عن سلف نقل شده سر در ایوان و گنبد اول که متکی بآن بوده معلوم نیست درجه تاریخی افتاده و مدت‌ها بهمان حال انهدام باقی بوده تا اینکه در تاریخ مزبور سعی و اهتمام مردمان خیر و وسایل ساختمان و مرمت آن فراهم گردیده و معمار بعدی مهارت بکار برده است که اگر کسی سابقه ذهنی نداشته باشد نمی‌تواند این بنای تازه را از بنای اصلی باز شناسد .

و اما آئینه‌های دیگر آنچه مربوط بساختن ایوان و حائط مسجد است منحصر بدو قطعه است که اولی با احتمال اقرب بیقین تاریخ بنای اصل ایوان است و آن سنگی است بابعاد (۰/۹۰ × ۰/۴۵) متر که بالای محراب ایوان نصب شده و عبارت ذیل بر آن بخط ثلث زیبایی حجاری شده است :
(امر هذه العماره قربه لله الفقير الى الله نظام الحق والدين جمشيد بن قارن بن جمشيد بن علي بن اشرف ابن قاضي بن شمس الدين بن علي القائني في شهر سنة ست وتسعين و سبعمائه) . قطعه دیگر سنگی است که در جبهه دیوار طرف راست ایوان نصب است و این عبارت بخط ثلث بر آن منقوش است :
(بعد حمد الله بمؤدای آیه وافی هدایه ، انما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر در عهد خلافت اعلی حضرت پادشاه حمزه ملك سپاه ظل الله السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر ابوالمنصور شاه سليمان الحسيني خلد الله ملكه و سلطانه و افاض علي العالمين عدله و احسانه ببيامن توفيقات رباني نواب مستطاب مستغني الالقب صف شكن خان امر نمود بتعمير اين بيت الله و بسمی حاجی الحرمین الشریفین حاجی محمد حسین صورت اتمام پذیرفت . تحریراً فی تاریخ سنة (متاسفانه ارقام مضبوط نیست) کاتبه محمد صالح) . اما تاریخ اصل ایوان بعقیده بعضی همانست که در لوح سنگی سردر محراب نقل شده و بعضی عقیده دارند تاریخ اصل بنا مقدم برین تاریخ است و این ایوان و مسجد همانست که ناصر خسرو از آن در سفرنامه بعظمت یاد میکند و بنا بر این باید تاریخ بنای ایوان قبل از سال ۵۸۱ هـ باشد تا ناصر خسرو آن را دیده و وصف کرده باشد . ممکن است جمشید نام که یکی از امراء مجلی است اقدام بمرمت و تعمیر خرابیهای آن نموده باشد و نیز شاید در محل این ایوان قبل از تسلط اعراب و شیوع دین اسلام بنائی بصورت آتشگاه یا کنشت وجود داشته که مسلمانان بعدها آنرا بصورت مسجد تعمیر کرده‌اند (چنانکه برخی از زیارتگاهها و مساجد همین وضع را داشته و هنوز آثار این قبیل تغییرات باقی و برقرار است) .

ناگفته نماند که محراب اصلی مسجد قاین بر قبله معمول اهل سنت ساخته شده و شیعی مندهان در زاویه شرقی ایوان محرابی بعمل خود منحرف از قبله سابق ساخته‌اند و لوح سنگی مذکور در فوق بر سر این محراب منصوب گردیده است . بر سردر یکی از طاقهای ایوان (مواجه با در ایوان و نقشی که قبلاً بدان اشارت رفت) داخل شکلی هندسی نوشته شده است

چو ایوان بکنیوان بر آورد سر	بچشم ملائک شده جلوه گر
ز عقل خردمند تاریخ سال	بود بتن خیراً جواب سؤال
و در طرف راست این شکل ، نوشته شده :	

چودر مقام حقیقت نظر نمود بیانی

اسحق بنا بوده و خلیل برادر اسحق صاحبکار یاسر کارگر !

در زاویه غربی ایوان منبر چوبی بشکل منبر بزرگ ایوان مقصوده مسجد جامع گوهرشاد قدری کوچکتر وجود دارد که بر بنده آن این عبارت نوشته شده است « عمل استاد محمد مقیم بن استاد محمد دولی بن استاد حافظ بن استاد حسن علی کاخکی فی شهر سنة اثنتان و ثمانون بعد الالف » و

این منبر از نظر نجاری منبر زیبایی بوده و گویا دو در داشته که بواسطه شکستگی پایه های منبر درهای آنرا که منقش به نقوش زیبایی بوده و پنجره نیز داشته برداشته و برده اند .
اداره کل باستانشناسی که این ایوان را جزء بناهای تاریخی ثبت کرده است تاکنون برای رفع شکستگی های ایوان از تاریخ ۱۳۲۴ اقداماتی معمول و اعتباراتی منظور فرموده است و با آنکه در سال ۱۳۳۳ نمایندگان فرهنگ و دارائی و کارشناسان مخارج تعمیر بنا را بمبلغ شصت هزار ریال بر آورد کرده اند مع هذا تاکنون اقدامی جدی برای مرمت اساسی این بنای عظیم که نزدیک هزار سال سابقه تاریخی دارد نشده است .



درخاتمه از آقایان شفیع نماینده محترم فرهنگ قاینات و ادیب رئیس دبیرستان پهلوی قاین که یادداشتهای مربوط بجامع قاین را در اختیار اینجانب گذاشته اند صمیمانه تشکر میکنم و توفیق این دو خدمتگزار واقعی فرهنگ را از خدای متعال خواستارم . (۱ - احمدی - بیرجند)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

یار خوش اخلاق

استاد بهار

آرد ارخسرو خوبان دل عشاق بدست
یارب این بلعجیبی با که توانگفت که یار
عاشقان را کشد از فاقه نگارین روئی
بر جا صبر کن ای عاشق مسکین که بعمر
خو کنم با گل و سنبل مگر آرم چون نسیم
سفلگان دام فریبند ، بران شو که دلی
زین نکین جش آید همه آفاق بدست
زهر در زیر نکین دارد و تریاق بدست
که گرفته است کلید درِ ارزاق بدست
کم فند یار نکور روی خوش اخلاق بدست
زلف آن لعبت گلبوی سمن ساق بدست
آری از عاشق آزاده مشتاق بدست .